

سیری برهنریارچه بافی در ایران

بتول احمدی

تموج حریر تار و پود ترنج‌ها و نر مای نسیم



متعلق به حدود قرن هشتم ق.م نقش گرفته
گذشت هزاران سال را لازم دارد.
همچنین در غار کمر بند در نزدیکی بهشهر
آثاری متعلق به ۶۰۰۰ سال ق.م یافت شده که
نشانگر ریسندگی نخ از پشم گوسفند و بز بطور
ابتدائی است. اولین نشانه از پارچه بافته شده در
ایران در حفریات شوش و بر روی تیغه مفرغی که
با سفال‌هایی دوره اول به دست آمده دیده شده
است، که بر آن نقشی از پارچه ای که به دور آن
پیچیده شده بود به جای مانده، و حاکی است
که در حدود سه هزار و پانصد تا سه هزار سال

دوره پیش از تاریخ

بر روی آثاری که از نقاط مختلف ایران به
دست آمده، به تصاویری از انسان که همراه با
پوشش نقش شده برمی خوریم. از جمله نمونه‌های
قدیمی و بسیار اولیه این تصاویر بر آثار یافت شده
از تپه سیلک دیده می شود که نقش مردی جنگجو
را با نیم تنه کوتاه نشان می دهد.
طبق نظریه گیرشمن صنعت بافندگی و تهیه
لباس در ایران در حدود ده هزار سال پیش از میلاد
شروع شده زیرا تهیه پوشاکی دوخته و بافته از
نخ‌های رشته شده به شیوه‌ای که بر روی ظروف

ق.م بافتن پارچه حتی با چرخ بافندگی معمول بوده است.

در تپه حصار دامغان همراه با آثاری متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد، یک میله مفرغی مخصوص ریسندگی نخ‌های نازک کشف شده، که دلیل بر پیشرفت بافندگی در این دوره هاست. در حدود سالهای ۲۵۰۰ - ۲۷۰۰ ق.م بافندگی بطور کامل تر و ظریف تر رایج شد، و بصورت بافت پارچه‌هایی از پشم گوسفند و بز تکامل یافت. در کتاب تورات آمده است که طی سالهای ۳۳۰ - ۵۵۰ ق.م پرده‌هایی رنگارنگ و پارچه‌هایی با طرح‌ها و نقش‌های مفصل در ایران مرسوم بوده است. از این بافته‌ها چیزی در ایران یافت نشده و فقط قطعه پارچه ابریشمی متعلق به سالهای ۳۳۰ تا ۲۲۴ پیش از میلاد در سوریه کشف شده است.

دوره هخامنشی

در دوره هخامنشی انواع پارچه‌های پشمی، حریر و کتان با رنگ‌های مختلف، همچنین پارچه‌های زربفتی که تار آن را از طلا می کشیدند بافته می شده است. بر این پارچه‌ها علاوه بر گل و بته معمولی پیکر و صورت انسان و حیوان به تنهایی و یا در ترکیب با یکدیگر نقش گرفته است. به گواه نقش‌های استخر و شوش، قلابدوزی، ملیله دوزی و زری بافی در نواحی همدان و بابل مرسوم بوده، همچنین تصاویر ایلامی دیگری حاکی است که زنان نقش عمده را در بافندگی بعهده داشته‌اند.

دوره اشکانی و سلوکیها

در این دوره صنعت نساجی نیز مانند سایر

صنایع و هنرها از رونق ناچیزی برخوردار بود و آنچه که وجود داشت تحت تاثیر هنر یونانی‌ها پدید آمد. از انواع پارچه‌های این سالها نمونه‌های معدودی در سوریه و ایران بدست آمده و به نظر می رسد بیشتر پارچه‌ها از جنس پشمی و شال دارای طرح شاخه‌های پیچ در پیچ، مرغ خیالی و قوچ، نقش ستاره و متاثر از طرح‌های یونانی بوده است.

دوره ساسانیان

ساسانیان از سال ۲۲۴ تا ۶۲۱ م در ایران حکومت کردند. از این سالها چند قطعه پارچه ابریشمی و یکی دو قطعه پارچه پشمی به جای مانده است. پارچه‌ها غالباً از پشم، کرک و ابریشم بافته می شده است. هر چند صادرات ابریشم از چین به ایران در دوره اشکانی شروع شد، لیکن در دوره ساسانی پرورش کرم ابریشم و صنعت بافت پارچه‌های ابریشمین رونق یافت، همچنان که کشت پنبه نیز رایج گردید. نساجان همچنین مواد گرانبهائی از جمله مفتول طلا و نقره در بافت پارچه بکار می بردند.

طرح پارچه‌ها کاملاً شبیه به نقش حجاری‌ها و گچبری‌ها و نیز ظروف نقره و طرح‌های منقوش سایر اشیاء و عبارتی دیگر دنباله نقوش ظروف فلزی کهن است. از جمله طرح‌های حکاکی شده بر طاق‌بستان و تخت جمشید در پارچه‌های متعلق به این دوره نیز تکرار شده است.

پارچه‌ها با صورت حیوانات عجیب و خیالی و افسانه‌ای مانند اژدها یا حیوانی که بدن آن به شکل اسب است و شاخی در پیشانی دارد، عقاب دوسر، طاووس هندی که گاهی انسان بر

حتی با کتیبه کوفی که از حدود سال ۳۴۹ هـ. ق. بر پارچه‌ها شکل گرفت و به جای حاشیه دور ترنج را محصور کرد می‌آمیزد. شاخ و برگها لوزی‌های میان ترنج‌ها را پر می‌کنند، اما با فاصله کمی از حاشیه ترنج جدا می‌شوند، و در داخل ترنج‌ها که کتیبه کوفی آن را دربر گرفته نقش مرغابی‌ها و برگها به هم آمیخته است. شکل حیوانات و پرندگان نیز گاه با خطوط زاویه‌دار شکسته کشیده شده است.

رنگ در این دوره دخالت چندانی نداشته و فقط برای مشخص کردن طرح خطوط که غرض اصلی هنرمند بوده بکار گرفته شده است.

دوره‌های آل بویه و سلجوقیان

موضوع طرح پارچه‌ها که بیشتر جنبه تریمی داشت بسیار متنوع شد. نوشته‌های درشت و محکم گاهی خطوط ریز و ظریف و نقش‌های روشن و



ساق با الیافی از نقره - سده هشتم هـ - ق

آن سوار شده، و یا شکل انسان، اسب، ببر، یوز پلنگ و عقاب تزئین یافته است. درختان سیب و نارنج، انواع گل‌های زیبا با طرح گرد و چهار پر، شاخ و برگ، تاج پیچ در پیچ از دیگر طرح‌های رایج این دوره است. گاهی نیز به نقش مرکب مثل مرغابی‌هایی که تشکیل یک لوزی می‌دهند و یا شاخ و گل‌هایی که دایره‌ای را درست می‌کنند و مُتِناوَباً از گل و ستاره شکل دیگری به وجود می‌آورند، نقش دو شیر که درخت حیات را دربر گرفته و از بالای این درخت پرنده‌های خیالی به پرواز درآمده و تخم حیات می‌پاشند و طاووس‌هایی که نشان از آسمان پر ستاره و ماه دارند، اشکال انسان و یا جانورانی که رو بروی هم قرار گرفته و «هوم» گیاه متبرک دین زرتشت را دربر گرفته‌اند برمی‌خوریم. وجود طرح «هوم» و «آتشکده» در میان دو مرغ یا دو جانور یادآور تأثیر عقاید مذهبی در تزئین پارچه‌های قدیمی ایران است. رنگ آمیزی پارچه‌ها متناسب و آرام بوده به نحوی که عظمت اشکال را کاملاً نمایان ساخته است.

صدر اسلام

از نمونه بافته‌های اوایل دوره اسلامی آثار بسیار معدودی به جای مانده که همچنان نشان از ادامه طرح‌ها و نقوش گذشته دارد. نقش پرندگان و حیوانات افسانه‌ای، برگهای درختان و خطوط مشابه رو بروی هم، دایره‌ها و ترنج‌ها به دور مناظر شکار و حیوانات، و همچنین طرح‌های زاویه‌دار، هنوز زینت بخش پارچه‌هاست. ترنج به‌عنوان طرح واحد حفظ شده و شاخ و برگ متن پارچه را فرا می‌گیرد و

مانند سفید و آبی کم رنگ متمایل به رنگ سفال‌های لعابی بکار گرفته شده است. تضاد سایه و روشن رنگها رعایت گردیده و طراح نیز غالباً فقط ترکیب دو رنگ را ترجیح داده است. آبی کم رنگ یا سورمه‌ای تیره یا سبز بر روی زمینه‌ای به رنگ سفید یا سرخ بکار رفته است. طرح پارچه‌های ابریشمی نیز نقوش کاشیهای مینائی کاشان را در بر دارند. نقش خرگوش نیز از سفالهای لعابی کاشان گرفته شده است. رنگ آمیزی در پارچه‌ها همچنان نقش چندانی نداشته، تضاد دو طرح یک رنگ و زیبایی خطوط منحنی و برگها نیز از نزدیک و با دقت فراوان نمایان میگردد.

طرح راه‌راه از دیگر نقوش متداول بوده، هر چند که فاصله خطوط گاهی تفاوت داشته، ولی طرح‌های راه‌راه با فاصله کم معمول نبوده و ضمناً شهرت و سعت طرح‌های راه‌راه باریک را نداشته است. به عبارتی دیگر این طرح مبین و معرف مشرق زمین است. ایرانی‌ها خصوصیت دیگری به طرح راه‌راه اضافه کردند، بدین شیوه که گاهی مجموعه طرح‌ها بوسیله یک نوار ساده از یکدیگر جدا میشود. این طرح در عمل همیشه بصورت شاخ و برگ اجرا میشود.

طرح سرامیک (بدل چینی) معرف سبک سومی در نساجی است، که ترکیبی از شاخ و برگ‌های درهم پیچیده پوشیده از برگهای تزئینی را نمایان می‌سازد، که برداشتی از سبک چینی است. در این طرح در حقیقت جلوه‌ای از تغییر شکل برگهای کنگر دیده می‌شود. گاهی اوقات این تزئینات که از نظر زمانی مقدم بر

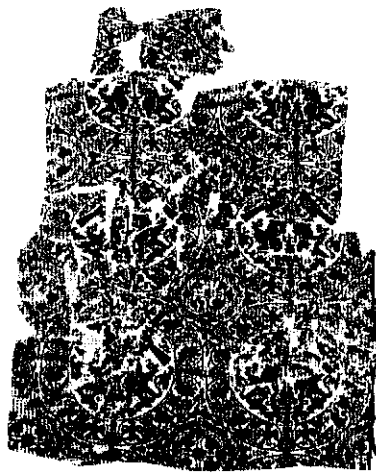
در این دوره هنر پارچه‌بافی نیز تنها مرهون ذوق و سلیقه هنری هنرمندان خاص خود نبوده، بلکه خصوصاً مدیون طراحان و استادان هنرهای دیگر از جمله کاشیکاری است که از عمده تزئینات بنا در اوایل دوره اسلامی بشمار میرفت. تمامی رنگها و سایه‌های طرحهای ظریف و گل و بوته‌های مارپیچی پارچه‌های حریر اقباسی از کاشیکاری‌های عظیم و زیبای این دوره است. جنس نازک و ظریف و بخصوص درخشندگی حریر زمینه بسیار مناسبی برای اجرای چنین طرحهایی فراهم آورده بود. در این نقش برداری نه تنها از شکل هشت پر و ستاره‌های چهارگوش تقلید گردیده، بلکه همان مایه رنگها



ساتن - سده دهم ه - ق

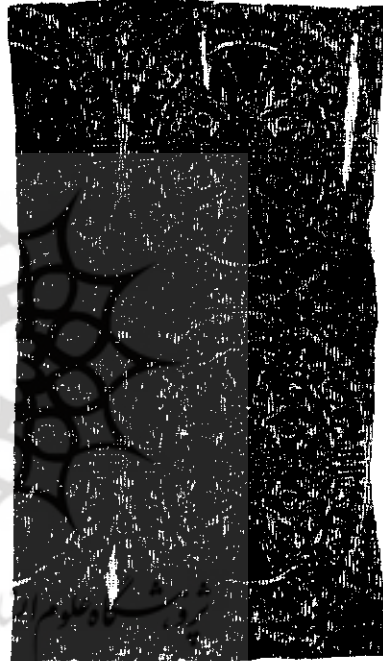


ساتن با الیافی از طلا و نقره - سده دهم ه - ق



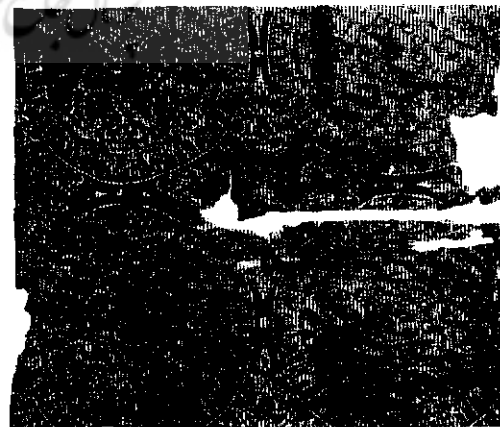
ایریشم - سده پنجم یا ششم هـ - ق

طرح‌های اربسک هستند در مقابل طرح ثانوی متن با زمینه بکاررفته است. این شکل ساده‌ای از خصوصیات طرح‌های ایرانی است که اجزاء پدیدآورنده یک مجموعه طرح، هر یک مستقلاً در حد یک طرح کامل جلوه‌گر می‌شوند، در حالیکه از طریق ایجاد قرینه‌سازی هر یک مکمل دیگری است. در عین حال پیشرفت دیگری نیز در این طرح حاصل شده که ناشی از ترکیب شاخ و برگ با پرندگان و یا حیوانات و تنها تصاویر انسان است، که شاخه‌های درهم پیچیده صرفاً برای نشان دادن حدود و چهارچوب طرح بکار گرفته شده است، نظیر این طرح روی سرامیک‌های منتسب به دوره سلجوقی نیز مشاهده می‌شود.

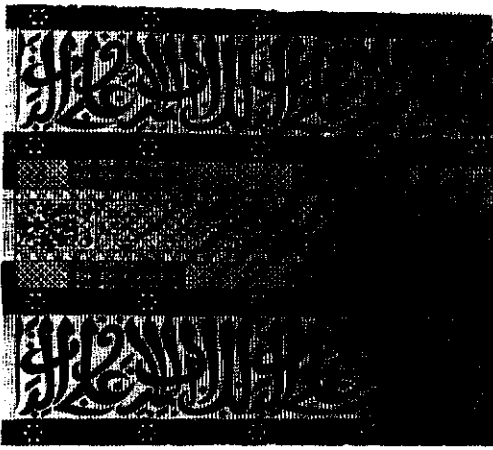


ایریشم - سده هفتم هـ - ق

طرح مشبک شیوه دیگری است که در سرامیک نیز مورد استفاده بوده و ساده‌ترین نوع آن خطوط متقاطع بصورت نقطه‌چین ظاهر می‌شوند. در عین حال که گل‌های چهار و شش پر نیز بعنوان طرح‌های پیشرفته‌تری به چشم می‌خورند. شیوه دیگر طراحی پارچه، شبکه‌های هندسی به شکل نوارهای درهم پیچیده است که یک مجموعه غیرمنتظم را نشان می‌دهد که با تزیینات دیگری نیز همراه شده‌اند. تصویر انسان



ایریشم - سده ششم هـ - ق



ساقین با الیافی از زر - سده هفتم ه - ق

اواخر قرن هفتم ه. ق بافندگان قادر بودند که طرح‌های بسیار پیچیده را با مهارت بیابند. بافت شطرنج یک درمیان و دولا و انواع پارچه‌های اطلس و دورو و راه‌راه رایج شد.

طرح شاخ و برگهایی از انواع نیلوفر نیز رواج یافت و نقش جانوران و پرندگان عجیب چینی با پرندگان دیگر که جنبه تزئینی داشت زینت بخش پارچه‌ها شد. این نقوش در پارچه تکرار می‌شد و چنان در کنار یکدیگر قرار می‌گرفت که بیننده احساس حرکت مورب می‌کرد. اژدها، عنقا و سایر حیوانات افسانه‌ای و گل لوتوس و چوب چلیپا شکل و ابرهای چینی که منسوجات چینی در دوره سلسله هان به آن ممتاز بودند توسط ایرانیان مورد تقلید قرار گرفت. از شیوه‌های دیگری که در منسوجات مغولی دیده می‌شود، اصول تزئین پارچه‌ها با حواشی است. این سبک در آن دوره در تمام نواحی عالم اسلام شایع شد و بافندگان از آن پیروی کردند، اما حاشیه بافته‌های دوره مغول دارای تنوع رنگ و زیبایی بیشتری است. و بعضی از آنها با خطوط هندسی مستقیم منکسر و یا مقاطع زینت یافته است. تزئینات بافته‌ها با تصاویر کتب خطی متعلق به اواخر عصر مغول و مکتب‌های

در ترکیب با این طرح به عنوان عامل تکامل طرح شناخته شده است.

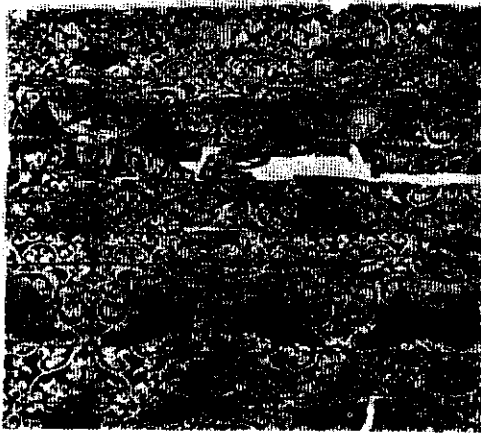
از این نوع طرح برخی از انواع طرح‌های راه‌راه و مشبک در شیوه لباس‌های مینیاتورهای منتسب به مکتب بغداد بکار رفته است.

دوره مغول‌ها و تیموری

استیلای مغول بر ایران که از اوایل قرن هفتم تا اواخر قرن هشتم ه. ق به طول انجامید، با آنکه در سفال‌سازی، فلزکاری و معماری تاثیر مهمی نداشت، طراحی پارچه را بکلی تغییر داد، نقش‌ها و ترکیب‌ها و تصاویری که پیش از دوره اسلامی رایج بود متروک شد و تاثیر سبک‌ها و روش‌های تزئینی چینی رو به افزایش نهاد.

می‌توان گفت که مغول‌ها توجه زیادی نسبت به صنعت نساجی داشته‌اند. نقاشی‌های آن دوره نیز مبین این نظریه است. معروفست که در دوره مغول بعضی از مراکز نظیر هرات، شوش و شوشتر اهمیت زیادی را که در بافندگی داشتند بر اثر خرابی و ویرانی از دست دادند، ولی در عوض مراکز دیگری خصوصاً هرات و نیشابور توجه زیادی از این قوم نسبت به صنایع خود دیدند.

بر اثر تاثیر سبک‌های چینی ترسیم طرح‌های ظریف و اجرای دقیق آن‌ها معمول گردید و در



ایریشم - سده ششم یا هفتم ه - ق



مخمل با الیافی از حلا و بقره - بافته سده در پرد ۱ - سده یازدهم ه - ق

تزئینی و نقش و طرح پارچه بعمل آمد. بر اثر آن منسوجات لطافت و زیبایی خاص یافته و طرح پارچه ها ظریف تر و گیراتر و از حیث ترکیب گسترده تر شد.

نقش نباتات در تزئینات سهم عمده را داراست. اشکال پرندگان که به شیوه چینی نمایان شده اند، گل لوتوس و خصوصاً نقش مرغابی در طرح منسوجات و کتب خطی جلوه گر سبک و شیوه بافت در این دوره هستند.

از منسوجات معمول این دوره دیبا و بافته های راه راهی است که طلا و نقره در آن بکار رفته، بعلاوه بافت مخمل بصورت تکامل یافته تری نیز رواج پیدا کرد. سمرقند و هرات از مراکز مهم پارچه بافی در دوره تیموری بودند، همچنانکه شهرهای اصفهان، یزد، کاشان و تبریز نیز در صنعت نساجی پیشرفت بسزایی یافتند.

دوره صفوی

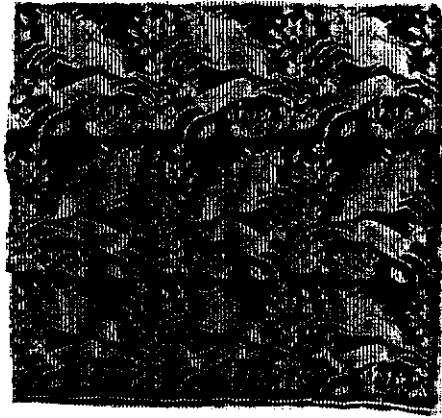
از اواخر قرن نهم تمایل شدیدی به جنبه تصویری و نقش و نگار ظاهر شد. علاقه ایرانیان به گل و باغ در هیچ جا بهتر از تار و پود ظریف پارچه های دوره صفویه تجسم نیافته است. طرح های زیبای اسلیمی تحول و پیشرفت عظیم یافته، و به نقش گل و حیوانات که با

مختلف نقاشی، خصوصاً مکتب هرات شباهت زیادی دارد. از مهمترین موضوع های تزئینی که در دوره مغول در بافته ها معمول شد اشکال آجری کاشی و طرح های اربسک است و گاه نیز متن پارچه را زمینه سبز و خرمی شبیه به گلزاری تشکیل می دهد.

رنگ روشن و گاهی سفید که برای زمینه انتخاب می شد تا طرح و شکل را برجسته تر جلوه دهد دیگر بکار نرفت و بجای آن رنگ های تند و تیره برای زمینه کار معمول شد که درخشندگی نیز دارد. تنها وسیله برای ایجاد برجستگی و تضاد که همه هنرمندان بدان متوسل شدند به کار بردن الیاف فلزی یعنی رشته های طلا بود که دور نخ ها می پیچیدند.

از سال های ۸۰۰ و تا نیمه دوم قرن دهم احتمالاً قطعه پارچه ای بدست نیامده و بیشتر اطلاعات غیرمستقیم و از طریق نقش پارچه در مینیاتورهاست که ممکنست به حساب ذوق نقاش تغییر یافته باشد، بدین معنا که نقاش به سلیقه خود رنگهای دیگری بکار برده یا به تناسب مجلس طرح پارچه لباس ها را خود ابداع کرده است.

در این دوره توجه خاص به تکمیل موضوعات



ابریشم - بافته شده در یزد - سده یازدهم هـ - ق

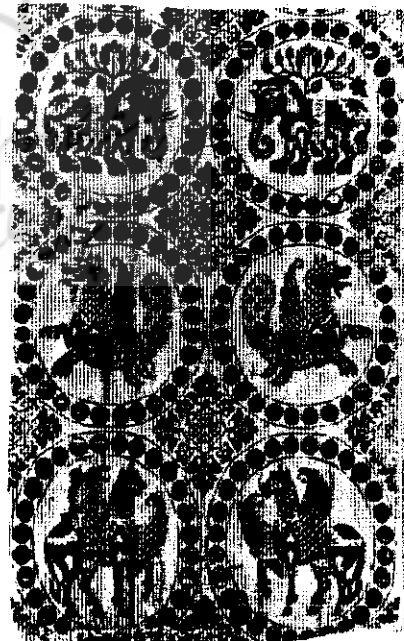
رنگ های درخشان و جالب پارچه ها بافته شده توام گشته است.

در دوره صفویه زیباترین رنگ ها به کار گرفته شده و مناسبات نزدیک و طرح ها و رنگهای یگانه ای بین بافندگی و نقاشی پدید آمده است. رنگ های غالب این دوره عنابی روشن و آبی فیروزه ای است. اما رنگهای ملایم مانند گل بهی، آجری، قهوه ای، خاکستری و بنفش نیز معمول بوده است.



ابریشم با ایایی از طلا و نقره - بافته شده در اصفهان - نیمه دوم سده یازدهم

در حقیقت مواد مناسبی که در کارگاههای دوران صفوی تهیه شده بود هنر بافندگی را در سراسر این دوره بی نظیر ساخت. پارچه های ابریشمی، ابریشم زربفت، حریر و مخمل ابریشمی اکثریت بافته های این دوره را تشکیل می دهند. یکی از مرغوب ترین پارچه های این دوره زری هائی است که بر روی زمینه بافته از رشته های طلا و نقره نقشه کوچکی را اجرا کردند. برای اینکه زری کاملاً نرم باشد و خشونت و سختی پیدا نکند نخ نازکی از کتان یا ابریشم را ورقه بسیار نازک طلا و یا نقره می کشیدند و به اصطلاح گلابتون درست می کرده اند، و زری را از نخ های گلابتون می بافته اند، و تارسیم و زررا که باعث سختی



ابریشم - تقلید سامانی - سده چهارم هـ - ق

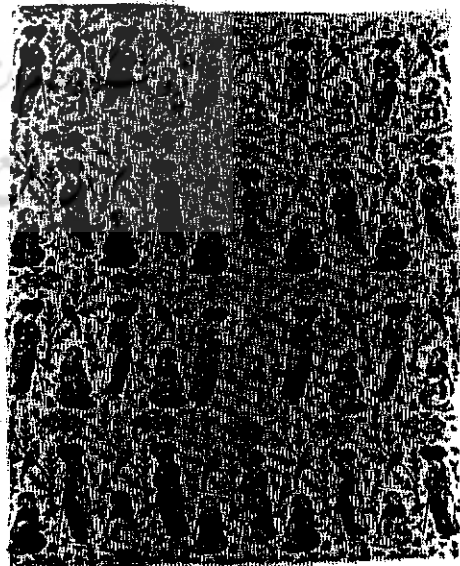
متن می بافتند. بلبلی بزرگ یا آهویی به نسبت کوچک و یا پروانه‌ای به اندازه طبیعی نیز از نقوش معمول این پارچه‌ها بوده است. بافتن بعضی نقوش کوچک با الیاف طلا روی زمینه نقره برجسته تجملی پارچه می افزود. از ابتکارات دیگر این دوره پارچه چندتائی و مخمل است، پارچه چندتائی پارچه‌ای است که دو یا چند پارچه چنان درهم بافته شده که گوئی هر یک مستقل است، اما در عین حال طوری با هم ترکیب شده‌اند که طرح گل و بته را برجسته و روشن جلوه دهند. مخمل در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بهترین پارچه بافت ایرانیان بوده و کاشان نیز بعنوان مرکز اصلی بافت این پارچه شهرت داشته است.

مهمترین مراکز نساجی و بافندگی این دوره، تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، ساوه، سلطانیه و اردستان و شیروان

پارچه می شد بکار نمی برده‌اند. پارچه‌های بافته شده به این شیوه معمولاً دو تار دارند که یکی برای بند کردن گلابتون و انداختن نقش و دیگری برای متصل کردن ابریشم‌های پود بکار می رفته است. از دیگر بافته‌های این دوره نیز قلابدوزی، گلدوزی و سوزن‌دوزی بوده که با ابریشم‌های برجسته روی تافته می انداخته‌اند. همچنین تافته‌های سنگین و چین خورده‌ای که کناره‌های آن به قیطان‌های فلزی محدود است. بافت دولای و سه‌لای برای به وجود آوردن نقشهای ظریف بکار می رفت. در این بافت‌ها اصولاً دو یا سه تار و پود جداگانه بافته می شد و این بافت‌ها روبروی هم یا در زیر یکدیگر قرار می گرفت تا نقشه بافت را کامل تر و غنی تر سازد. زربفت متنی محکم داشت و از رشته‌های طلا و نقره که یک در میان و راه‌راه بافته می شد حاصل می گشت. نقش گل‌های آن را از ابریشم براق نرم و نزدیک به رنگ



ساتن با الیافی از طلا و نقره - بافته شده در اصفهان - سده یازدهم ه - آ



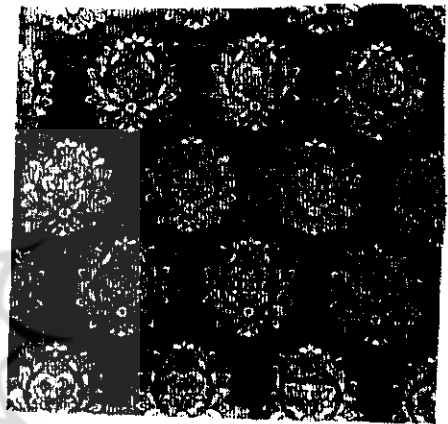
مخمل با الیافی از طلا و نقره - بافته شده در کاشان؟ - سده یازدهم ه - ق

بوده‌اند، اما قدیمی‌ترین قطعه پارچه ابریشمی منسوب به دوره صفوی که تاریخ نیز دارد و فعلاً روپوش قبر حضرت امام رضا (ع) است در شهر رشت و به سال ۹۵۶ هـ. ق بافته شده است.

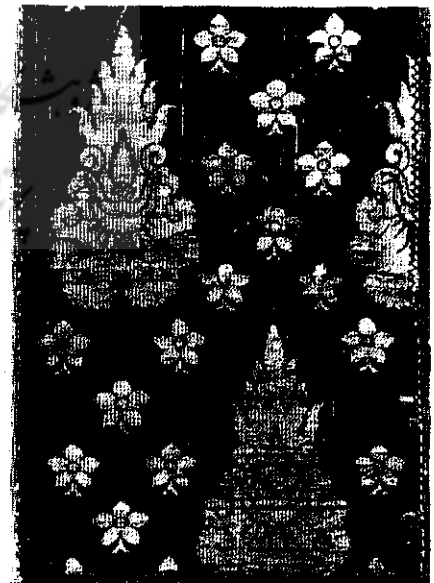
از نساجان معروف قرن دهم که اسمشان را به یادگار گذاشته‌اند، غیاث و یحیی و عبدالله و حسین و معزالدین غیاث و آبان محمد هستند. محمدخان و علی اسمعیلی کاشانی و معین که همه در شهر کاشان زیسته‌اند از نساجان به نام قرن ۱۱ هـ. ق هستند. آقامحمود و مغیث و شفیع عباس نقاش دربار صفوی که در کشیدن گلها و پرندگان ممتاز بوده از اصفهان هستند.

دوره دوم هنر نقاشی صفویه (۱۰۳۷ - ۹۹۸ هـ. ق) به رهبری نقاش زبردست رضاعباسی رواج و رونق یافت، سبک خاص او در طرح انواع مخمل‌ها مورد استفاده قرار گرفت. شیوه رضا عباسی در تصویر اشخاصی در حالات فروتنی و نقش و نگار قماش‌های گران‌قیمت قرن ۱۱ هـ. ق تاثیر مهمی داشته است. در این شیوه به جای آنکه نقش‌های کوچک رسم شود که در یک طرح کلی و حرکتی مشترک با هم رابطه و تناسب پیدا کنند، تصویرهای بزرگی طرح می‌شود. نقوش فرعی تنها برای پرکردن فضای خالی بکار می‌روند. رنگ‌های ملایم بافته‌های این دوره با تصویری واقعی و به حال طبیعی هماهنگی ممتازی یافته است.

شروع قرن دوازده هجری قمری را نیز باید آغاز نفوذ صنایع اروپا به حساب آورد که بحث در باره تحول تازه به پژوهشی دیگر موكول می‌شود.



ابریشم با الیافی از طلا و نقره - سده دهم هـ - ق



ساتن با الیافی از طلا و نقره - بافته شده در اصفهان - سده یازدهم